

روز دوباره درمی آید

کتابی که می‌کوشد روایت‌های متفاوتی از مسائل اجتماعی بانوان نشان دهد



نعمه ترکمن‌نیا
فعال فرهنگی

«دوزن زیبا» نوشته آرام روانشاد مجموعه داستانی متشکل از هشت داستان با

محوریت زنان است. عنوان داستان‌های این مجموعه از این قرار است: «فقط می‌خواستیم یک

فنجان قهوه بخورم»، «دوزن زیبا»، «زرد»، «از دفتر خاطرات یک تازه‌عروس متولد ۱۳۵۲»، «روز برمی‌آید»، «چله‌بران» و «اکستنشن».

دو داستان این کتاب برنده جایزه نیز شده‌اند.

روایت کتاب از زنانی است که با موقعیت‌های متفاوت اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. نویسنده کتاب درباره چگونگی شکل‌گیری این مجموعه گفته است: از بین بیست داستان کوتاهی که طی یازده سال نوشته‌ام هشت داستان را برای چاپ انتخاب کردم، آثاری که به نظر به بلوغ رسیده‌اند. محوریت اصلی داستان‌ها زنان هستند.

هر کدام از داستان‌ها روایت یک زن است که در یک موقعیت بحرانی قرار می‌گیرد. در واقع، خلق یک جهان زنانه و مسائل و مصایبی که می‌تواند برای آن‌ها پیش بیاید و چگونگی نحوه مواجهه، رویکرد و نگاه به این بحران پایه داستان‌ها را شکل می‌دهند. فضای همه داستان‌ها نیز با هم متفاوت است. شخصیت‌پردازی در این مجموعه داستان به کمک جزئی‌نگری و توجه به جزئیات ذهنی و روانی شخصیت‌های اصلی و هم‌چنین نگاه زنانه نویسنده به خلق شخصیت‌هایی ملموس و در عین حال دارای عمق منجر شده است که خواننده را بیشتر با داستان‌ها همراه می‌کند.

همین‌طور جنبه‌ها و زوایای دیگری از شخصیت زن امروز را آشکار می‌سازد. «دوزن زیبا» از سوی نشر نیماژ در سال ۱۴۰۰ در ۱۰۴ صفحه منتشر شده است. آرام روانشاد، متولد ۶ اردیبهشت ۱۳۵۵، داستان‌نویس ایرانی است. او داستان‌نویسی را با حلقه قصه شیراز زیر نظر بزرگانی چون ابوتراب خسروی و محمد کشاورز از سال ۱۳۸۰ شروع کرد.

قبل از داستان‌نویسی، در مقام نویسنده و دستیار کارگردان تئاتر مشغول و از سال ۸۲ تا ۸۵ مدیر روابط عمومی خانه مطبوعات فارس بوده است. او پیش از این مجموعه داستان، چهار اثر «فروغ فرخزاد»، «توی این رختخواب نرم خوابم نمی‌برد»، «ساعت ویرانی» و «به پشت سر نگاه نکن» را در کارنامه خود دارد.



دوزن زیبا

• نویسنده: آرام روانشاد

ایران‌دین



ریحانه‌عامل‌نیک
کارشناس ادبیات



اولین عکاس زن ایرانی

نگاهی به زندگی عزت‌الملک خانم اشرف السلطنه که گفته می‌شود اواخر عمر در مشهد زندگی کرده است

فارغ از نگاه جنسیتی، اولین‌ها در هر حوزه و رشته‌ای مورد توجه بوده‌اند. با وجود این، چنین متصور هستیم که اولین زنان چه در حوزه‌های علمی چه در حوزه‌های اجتماعی و هنری به دلیل شرایط فرهنگی و اجتماعی دشوارتری که از مردان برای کسب مدارج بالا داشته‌اند، باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرند یا دست کم یاد و نامشان بیشتر برده شود اما در عمل این اتفاق نیفتاده و بیشتر ما نام زنانی را که اولین‌ها را رقم زده‌اند به درستی نمی‌دانیم.

عزت‌الملک خانم اشرف السلطنه یکی از همین اولین‌هاست که در دوران قاجار زندگی کرده است و از او به عنوان نخستین زن عکاس ایرانی در تاریخ نام می‌برند.

براساس گزارش‌ها، اشرف السلطنه عکاسی را از شاهزاده محمد میرزا، پسرعموی خود، فراگرفته است. او که همسر محمدحسن خان اعتماد السلطنه، وزیر انطباعات دوران ناصری، است نامش بارها در کتاب «روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه» که دربرگیرنده وقایع چهل سال زندگی او در دربار ناصرالدین‌شاه است به چشم می‌خورد. گفته می‌شود اشرف السلطنه این کتاب را برای همسرش پاک‌نویس و ویرایش کرده است. او پس از فوت اعتماد السلطنه، این کتابچه را که توقیف شده بود از مظفرالدین‌شاه پس گرفت و تا پایان عمر از آن نگهداری کرد. این کتاب تحت عنوان روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه در ۱۹۶۶ میلادی منتشر شد و اطلاعات جالبی درباره زندگی در دربار و شخصیت ناصرالدین‌شاه در قرن نوزدهم در اختیار گذاشت. اشرف السلطنه جز این کتاب چند کتاب دیگر اعتماد السلطنه را ویرایش کرده است. هم‌چنین گزارش شده است سید فرید قاسمی، پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران، در کتاب «مطبوعات ایرانی» با اشاره به این موضوع از اشرف السلطنه به عنوان نخستین زن روزنامه‌نگار ایرانی یاد می‌کند و می‌نویسد: نخستین زن مطبوعات ایران عزت‌الملک خانم، دختر امام‌قلی میرزای عمادالدوله دولتشاهی، است. او در سال ۱۲۵۰ شمسی به عقد محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتماد السلطنه) درآمد و از سال ۱۳۰۶ لقب اشرف السلطنه را دریافت کرد. همسر اشرف السلطنه در دوران ۲۵ سال زندگی مشترک با او عهده‌دار امور مطبوعاتی بود، ۹ نشریه انتشار داد و نامش به عنوان نخستین وزیر انطباعات در تاریخ به ثبت رسید. در این مدت، اشرف السلطنه صمیمانه با او همکاری کرد و حتی بیشتر آنچه به عنوان روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه بر جای مانده است، تقریر اعتماد السلطنه و تحریر اشرف السلطنه است. دور نیست که آثار دیگری نیز تحریر او باشد. بنا بر این گزارش، اشرف السلطنه بعد از ۲۵ سال که همراه همسرش گرداننده مطبوعات عهد ناصری بود، در سال ۱۳۱۳ به علت فوت شوهرش از تهران رفت. او همه املاک شوهرش جز کتاب‌های خطی اعتماد السلطنه را در تهران فروخت و راهی مشهد شد و تا آخر عمر در این شهر ماند.

۲۳ آبان ۱۴۰۱
۱۹ ربیع الثانی ۱۴۴۴
شماره ۳۸۰۹

(۸)

ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرمسئول:
سیدمیثم موسوی‌مهر
سرمدیر:
سید سجاد طلوع‌هاشمی
دبیرضمانت:
ارژنگ حاتمی
دبیرضمیمه:
حمیده وحیدی

کوثر

عاطفه رنگامیز طوسی
کارشناس ارشد ادبیات



شاعری که وطن‌دار ماست

زینب بیات، بانویی که روز و روزگارش همچون شعر فارسی با اصالت و پرمعناست، سال ۵۴ در افغانستان به دنیا آمده است. او در هشت سالگی از کابل به مشهد مهاجرت کرده و سال‌هاست ساکن مشهد است. خانم بیات یکی از زنان فعال فرهنگی و خوش‌نام در ادبیات خراسان است.

برایمان با لهجه شیرین فارسی دری شعر می‌خواند، انگار با لهجه‌ی او حرف حافظ و مولانا را بهتر درک می‌کنی و به جانت می‌نشیند.

زینب بیات خاطرات زیادی از هم‌زیستی با هم‌زبانان خود در ایران دارد. او به قول مردمان افغانستان «وطن‌دار» ماست.

تحصیلاتش را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه فردوسی مشهد به پایان رسانده و از نوجوانی دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی به خصوص در حوزه زنان، او را به نوشتن، خواندن و سرودن واداشته است تا امروز او



غزلیات بیدل با گزینش محمد کاظم کاظمی را زینب بیات با لهجه فارسی دری، به زیبایی دکلمه کرده است و «ماهیان هیرمند» نام مجموعه‌شعری از اوست که در دست چاپ است. دغدغه‌های شعری او بیشتر مسائل زندگی مردم جامعه به خصوص زنان افغانستان است. با هم یکی از شعرهایش را می‌خوانیم.

درختستان

خورده پیوند باتو این دل و جان، رگ و هم ریشه‌ها و نام و نشان

نسب ما به چشمه‌ها برسد، به گل سرخ و لاله و ریحان
واژه‌ها را به لحن روشن آب، مادر بر زبان من می‌ریخت
لهجه‌ام قند فارسی دری، کابل و بلخ و غزنه و پغمان
لب که وای کیم به آهنگ شعر حافظ سرود مولاناست
شور شهنامه را به دل دارم نتوانی جدا کنی آسان
از سمرقند سیب آوردم از نشابور جام فیروزه
خوشه پرطراوت انگور از هرات عزیز تا پروان
قصه‌ام می‌رسد به یک کاشی در بلندای مسجد جامع
یا به یک کارگاه کوزه‌گری در محلات کابل و کاشان
گرچه این قصه را گلوله نوشت مهر اتباع بر جبین خورده
من همانم همان خراسانی سرو سبزی از این درختستان

را نویسنده و شاعر ببینیم. هم‌چنین او یک مجری پیش‌کسوت و گوینده باتجربه، موفق و دغدغه‌مند در «رادیو دری» است که در دل شنوندگان برنامه و به خصوص دختران جوان شنونده جا دارد و دوست‌داشتنی است. بیات کارشناس مجری برنامه زنده خانواده رادیو و تهیه‌کننده برنامه‌های ادبی آن است. سال‌هاست مجری کارشناس برنامه میراث مشترک شبکه جام جم بوده و قصه‌خوان بخش افغانستان سایت «دادارک» مربوط به علوم و فناوری ایران نیز هست. «شاعر و سیب سرخ» نام برنامه‌ای دیگر از اوست که در سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو به رتبه برتر دست یافت.

زینب بیات همسر شاعر، نویسنده و منتقد ادبی محمد کاظم کاظمی است. استاد کاظمی می‌نویسد و زینب بیات گویندگی و تهیه‌کنندگی می‌کند. حاصل آن می‌شود برنامه «قند پارسی»، یکی از برنامه‌های شنیدنی رادیو دری. این یعنی یک زوج هنرمند وقتی دست به دست هم می‌دهند یک کار خوب فرهنگی تولید می‌کنند. زندگی مشترک و همراهی سرشار از مهر زینب بیات و محمد کاظم کاظمی از سال ۱۳۷۴ آغاز شده است و سه فرزند دختر هنرمند و هم‌دل دارند. مجموعه گزیده